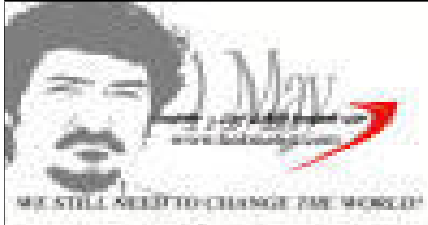


**ضمیمه ، ویژه اول مه ۸۹**  
**کارگران جهان متحد شوید!**



آزادی،  
برابری،  
حکومت  
کارگری

صفحه ۳

منصور حکمت

**اول مه : جنبش متمایز کارگری به میدان می آید**  
**(مصاحبه با رحمان حسین زاده در مورد اول مه ۸۹)**

اکتبر: در آستانه اول مه ۸۹ هستیم. کارگران در چه موقعیتی به استقبال اول مه میروند؟

رحمان حسین زاده: به همه جنبه های شرایط سختی که کارگران با آن دست و پنجه نرم میکنند، نمیپردازم. بر دو جنبه از موقعیت نامساعدی که طبقه کارگر با آن روبرو است باید تاکید کرد. اولاً در سطح زندگی و معیشت، طبقه کارگر با بیسابقه ترین تعرض سرمایه داران و دولت سرمایه اسلامی روبرو است. اعلام دستمزد پایه سیصد و سه هزار تومانی، طبق آمار کارشناسان همین دولت اسلامی، معادل چهاربار زندگی زیر خط فقر است.

ادامه در صفحه ۲

**کارگران پیشرو توطئه ارتجاعی "هفته کارگر" جمهوری اسلامی را خنثی خواهند کرد!**

سلام زیجی

حکومت سرمایه داران ایرانی امسال نیز چرتکه انداخته اند و نقشه کشیده اند که به تلاش و اتحاد جنبش ما حول روز جهانی کارگر آسیب برسانند. برنامه چیده اند تا فضا را مسموم کنند و مانع برگزاری متحدانه روز جهانی کارگر که روز اتحاد طبقاتی و نه گفتن به تمامیت نظام پراز جنایت و ننگ و نابرابری سرمایه داری و علیه کلیت حکومت اسلامی و تاریخ ضد کارگری تاکنونی آن است، بشوند. اعلام "هفته کارگر" از جانب حکومت اسلامی دقیقاً به این منظور طراحی شده است.

سی و یک سال تمام کشتار و زندانی و تحمیل بیقوقی و تحقیر کارگر و به گرو گرفتن نان خانواده های کارگری در راس سیاست های این حکومت و همه جناحهای آن بوده است. چپاول وثروت اندوزی کلان و تامین هزینه گله حزب الله و اوباش ارتشی و سپاهی و بسیجی و اطلاعاتی را تنها از طریق تحمیل بی حقوقی مطلق و زندگی بردگی به طبقه ما تامین شده است. از همان دوره کشتار کارگران نفت و اعدام جمال چراغ ویسی و عبدالله بیوسه تا به رگبار بستن کارگران خاتون آباد و حمله مسلحانه به مراسمهای روز کارگر و بازداشت و شکنجه برگزار کنندگان اول مه ها و همچنین در بند نگاه داشتن فعالین کنونی سندیکا واحد و نیشکر هفت تپه و اتحادیه آزاد و تحمیل مزد بردگی سیصت و سه هزار تومانی و اخراجهای گسترده هرروزه نشان خواهد داد این حاکمیت چون سگ وحشی به جان طبقه ما افتاده و با چنگ و دندان از سیستم سرمایه و منافع بورژواهای رنگارنگ ایرانی حراست میکند. این جنایت سازمان یافته با رها کردن افسار اوباشان خود و چرنیبات آخوند و مسجد و دادن اختیار تام به کارفرما و زندانبان تداوم دارد. تدارک "هفته کارگر" و "اعلام هفت هدف" آن نیز بخشی از همان تلاش ضد کارگری و جنایت عظیم، آشکار و پنهان، اما بی وقفه حکومت اسلامی و سیستم سرمایه داری ایران علیه طبقه ما و زنان و مردان آزادیخواه آن جامعه در سی سال اخیر میباشد.

ادامه در صفحه ۸

**اتحاد ضامن پیروزی ماست باید متحد شویم!**

مصاحبه اکتبر با آزاد زمانی بمناسبت اول ماه مه روز جهانی طبقه کارگر

اکتبر: آزاد زمانی سالهای متمادی از دست اندر کاران و سازماندهندگان اصلی برگزاری مراسم های اول ماه مه در شهر سنندج بوده اید. که بطور حتم دارای تجارب خاص با نتایج عملی در تدارک و حین برگزاری مراسمات هستید. کلاً قبل از برگزاری مراسم چکار میکردید؟

آزاد زمانی: جشن اول مه برای جنبش ما، پیام آور همبستگی و اتحاد طبقاتی است. با فرارسیدن اول مه به اتحاد و همایش طبقاتی در این روز فکر میکردم. شعار "کارگران جهان متحد شوید" را سرلوحه کار و فعالیت اجتماعی خویش و دوستانم قرار میدادیم.

ادامه در صفحه ۵

**زنان کارگر پای ثابت مراسم و جشن های اول ماه مه در کردستان بوده اند**

مصاحبه اکتبر با نظیره معماری

صفحه ۶

صفحه ۱۰

**اول مه و "انقلاب" جاری**

خاله حاج محمدی

اول مه، زنده باد همبستگی و تشکل طبقاتی کارگران

صفحه ۹

## جنبش متمایز کارگری.....

یادآوری میکنم این دستمزد پایه شامل بخشهای پیشرفته صنعتی و بخشهایی از کارگران است که قرار دادهای رسمی شامل شرایط کار آنها میشود. تصور کنید، میلیونها کارگری که شامل قراردادرسمی نیستند، در چه وضعیت سخت تر معیشتی بسر میبرند. در نتیجه طبیعی است در اول مه امسال ادعانامه روشنی علیه این تعرض سبعانه به سطح زندگی کارگران و خانواده های کارگری و علیه این توحش سرمایه داران و دولت متبوعه صادرشود. دوما: در سطح سیاست و تحولات سیاسی که مستقیما به سرنوشت کارگران مربوط است، فضای سیاست ایران در یکسال گذشته، چه در مقطع معرکه گیری "انتخاباتی" و چه بعد از آن و از مقطع بیست و دوم خرداد، میدان نبرد و کشمکش دو جناح بورژوازی ایران برای گرفتن سهم بیشتر از قدرت اقتصادی و حاکمیت سیاسی در ایران بود. مثل همیشه سرمایه داران و دو جناح جمهوری اسلامی یکی با "مستضعف پناهی" و دیگری با وعده "اصلاحات و گشایش فرهنگی" خواستند و میخواهند نیروی توده مردم و طبقه کارگر به سیاهی لشکر تعیین تکلیف تناسب قوا به نفع یکی از آنها خاتمه یابد. متأسفانه بخشی از توده مردم و کارگران حق طلب و ضد جمهوری اسلامی به کمک خیل مجبزرگوبان راست و چپ بورژوازی، به صف این کشمکش و مشخصا به صف "جنبش سبز" گسیل شدند، کاری که اشتباه بودن آن اکنون برای خیلی ها معلوم شده است. در این رابطه مسئله قابل توجه این بود که طبقه کارگر و مراکز کارگری کلیدی و یا تشکلهای موجود کارگری خوشبختانه به این تحرک بورژوازی سبز سمپاتی نشان ندادند و فعالین و پیشروان کارگری زیادی در داخل و خارج بی ربطی جنبش سبز را نسبت به منافع کارگران مستدل کردند. با این وصف در مقابل صف بندی بورژواها، صدای متمایز و متفاوت طبقه کارگر به اندازه کافی رسا نبود. آلترناتیو متمایز کارگری به روشنی قد علم نکرد. اول مه امسال میتواند به صحنه ابراز وجود تحرک اجتماعی و سیاسی متمایز و متفاوت جنبش کارگری تبدیل شود. این یکی از

رسالتهای اول مه امسال است.  
**اکتبر: منظور از ابراز وجود نکرین متمایز و مستقل طبقه کارگر چیست؟ چون در یکسال گذشته ما شاهد اعتصابات و اعتراضات کارگری متعددی بوده ایم! ابراز وجود متمایز طبقه کارگر به چه شیوه و چگونه منظورتان است؟**

**رحمان حسین زاده:** تک تک اعتراضات و اعتصابات کارگری یکسال گذشته برای مطالبات کارگری و تلاش برای بهبود شرایط کار و معیشت در هر بخش کارگری که اتفاق افتاده است، جزو حیاتی حرکت واقعی کارگری و بخشی از ابراز وجود مستقل کارگران علیه وضع موجود و دارای اهمیت بسزایی است. اما باید توجه داشت همین تحرک اعتراضی مطالبات فوری کارگری برای افزایش دستمزد و یا دستمزدهای معوقه و بهبود شرایط کار که در این کارخانه و آن کارخانه و مراکز کارگری اتفاق می افتد، هنوز ابعادی هماهنگ و همزمان و متحد به خود نگرفته است. و مهمتر هنوز به دلایل قابل فهمی در مراکز کارگری کلیدی ایران اتفاق نیفتاده، که دولت و سرمایه داران را در تنگنا قرار دهد و به عنوان اهرم فشار جدی در معادلات کنونی جامعه در مقابل سرمایه داران عمل کند. به علاوه منظور اصلی من اینست، در شرایطی که بخشهای مختلف بورژوازی و جمهوری اسلامی، در ابعاد سیاسی در مقابل هم صف آرای کرده و میخواهند نیروی طبقه ما و مردم تحت ستم را به گوشت دم توپ جنگ خود تبدیل کنند، جای آلترناتیو اجتماعی و سیاسی طبقه کارگر با پلاتفرم کارگری و آزادیخواهانه خالی بود که در دل آن تحولات تناسب قوای بهتری را برای جنبش کارگران دست و پا کند و هم نیروی طبقه خود و مردم را به صف خود بکشد.

در اول مه امسال انتظار اینست، طبقه کارگر ایران و بخشهای اصلی کارگری، سندیکاهای و تشکلهای و نهادهای موجود کارگری در اقدامی هماهنگ و متحد، اولاً روز کارگر را با اجتماعات بزرگ، با میتینگها و جشنهای خود، با ادعانامه های روشن کارگری و از جمله با فراگیر کردن بیانیه و یا قطعنامه رادیکال کارگری، صف متحد کارگری و آزادیخواهی وصف متمایز طبقه کارگر را به نمایش بگذارند. به علاوه به روشنی و به هر شکل که مناسب میدانند، اعلام

کنند، جدال کنونی دو جناح بورژوازی ایران و جمهوری اسلامی را مرتبط به سهم خواهی طبقه سرمایه دار از قدرت اقتصادی و سیاسی و سهم بری بیشتر برای استثمار طبقه کارگر میدانند، به مستضعف پناهی "خامنه ای، احمدی نژاد" و "اعتدال و اصلاح طلبی" "موسوی کرویسی، خاتمی و رفسنجانی توهمی ندارند. هر دو جناح را در صف مقابل کارگران و مردم محروم می بینند. به ویژه با توجه به اینکه جنبش سبز ظاهراً در موقعیت اپوزیسیونی قرار گرفته و خیلی ها جزو "مردم" به حسابشان میاورند، رهبران و تشکلهای کارگری لازمست با اعتماد نفس اعلام کنند "جنبش جاری سبز" را در صف مقابل کارگران می بینند. تاکید کنند جنبش متمایز و مستقل کارگری بر مبنای مطالبات و اهداف امروز و آینده جنبش طبقه کارگر را به میدان میکشند. اگر چنین اتفاقی بیفتد، از نظر من معنای عملیش ابراز وجود صف متفاوت کارگران در فضای سیاسی و مبارزاتی ایران است. شواهد نشان میدهد اول مه امسال میتواند چنین ظرفیتی را از خود نشان دهد.

**اکتبر: نقطه مقابل نظر شما بسیاری از "جریانات چپ" که خود را مدافع طبقه کارگرهم میدانند، با بیانههای مختلف از جمله ضرورت حمایت از "انقلاب، جنبش توده ای، جنبش جاری، حقوق مدنی و جنبش دمکراسی" در مناسبت اول مه میخواهند، طبقه کارگر از تحول سیاسی جاری "جنبش سبز" اعلام حمایت کند. به نظر شما بر خورد درست کارگران چه میتواند، باشد؟**

**رحمان حسین زاده:** در جواب به سؤال شما باید بگویم، خوشبختانه کم نیستند رهبران و فعالین کارگری آگاه و روشن بین در داخل و خارج کشور در برخورد به فراخوانهای چپ دل بسته به جنبش بورژوازی سبز موضع روشن طبقاتی گرفته اند. "جنبش جاری سبز" را در تضاد با منافع طبقه کارگر، معرفی کرده اند. با نگاهی به ادبیات و نوشته ها و اعلام مواضع رهبران و فعالین کارگری داخل میتوان ابعاد امید بخش چنین مواضع کارگری را دید. در خارج کشور هم در همان ابتدای به میدان آمدن جنبش سبز و در اوج هیاهوی چپ بورژوازی در دفاع از "جنبش سبز" تعداد زیادی از فعالین کارگری و از

جمله رهبر کارگری با اتوریته ای چون زنده یاد پدیده خسرو شاهی، به هم طبقه ایبایش فراخوان داد، "باردیگر نباید قربانی سرمایه داران زانو صفت شوند". از آن زمان تاکنون خوشبختانه بخشهای وسیعتری از کارگران و مردم ماهیت ارتجاعی جنبش سبز را متوجه شده اند. به نظرم رهبران و فعالین کارگری و کارگران کمونیست با اعتماد بنفس بیشتر، لازم است به این چپ بورژوازی پشت کنند، آنها را باید ول کرد با جنبش خودشان سرگرم باشند. کارگر ان کمونیست طبقه کارگر دارند مسیر طبقاتی و سیاسی خود را آگاهانه تر طی میکنند.

**اکتبر: خانه کارگر به عنوان "بازوی کارگری" جمهوری اسلامی هر ساله در فکر کشاندن کارگران به نمایشات دولتی هستند، امسال چه ترفندی دارند و کارگران چه برخوردی باید بکنند؟**

**رحمان حسین زاده:** امسال هم همان دلفک بازیهای سالهای گذشته را در دستور دارند. خانه کارگر "هفته کارگری" اعلام کرده است. در واقع با ترفند "هفته کارگر" مذبحخانه میخواهند این تنها یک روز جهانی کارگر را محو کنند و به علاوه قرار است در این هفته، "کارگران" را به مناسک مذهبی بر سر "قبر خمینی و دیدار خامنه ای و نماز جمعه" ببرند. به "کارگر نمونه اسلامی زن و مرد و زن نمونه خانه دار" جایزه بدهند و تفاوت اصلی برنامه امسال اینها با سالهای قبلشان مربوط به روز آخر هفته مورد نظر آنها و در واقع روز شنبه "اول مه" روز جهانی کارگران است. اینها سالهای دیگر در ورزشگاه شیرودی و یا در یک میدان و فضای باز به خود جرات میدادند و میتینگ میگذاشتند. در نتیجه در همان میتینگهای کنترل شده هم، بخش اوضاع از کنترلشان خارج میشد، پلاکاردها و مطالبات و حتی سخنرانیهای حق طلبانه بر خلاف میل آنها مطرح میشد. بعضاً فضا را از دست خانه کارگری ها میگرفتند، امسال با توجه به تجارب قبلی شان و دقیقاً از ترس بروز چنین حرکات حق طلبانه کارگری چنین تجمع و برنامه و نمایشی را هم از برنامه خود خارج کرده اند. تحت نام برگزاری "مراسم در همان محل کار"، میتینگ در فضای باز و علنی را از دستور خارج کرده اند. ادامه در صفحه ۴

**نه قومی، نه اسلامی، زنده باد هویت انسانی!**

## آزادی، برابری، حکومت کارگری

..... 3

نه آزایی گری آمریکایی شاه و نه خرافات اسلامی وقیل و قال پان اسلامیستی خمینی و شرکاء ونه نسل کشی و جنایات غیرقابل توصیف هر دو رژیم علیه بشریت و آزادی، هیچیک پاسخ این بحران نبود و نمیتوانست باشد - زیرا "مساله" و "بحران"، در نفس وجود اجتماعی بورژوازی و حاکمیت اقتصادی و سیاسی سرمایه نهفته است - انقلاب ۵۷ تنها علیه سلطنت نبود، همچنانکه خیزش انقلابی عظیم اتی نیز تنها برچیدن جمهوری اسلامی را در دستور نخواهد داشت - انقلاب ۵۷ استثناء نبود، بلکه نخستین جلوه قاعده ای بود که از این پس، تا در هم کوبیده شدن قطعی حکومت سرمایه و نظام سرمایه داری در ایران، تاریخ ایران را شکل خواهد داد. بحران اقتصادی و بحرانهای سیاسی و حکومتی دائمی، حرکتهای اعتراضی گسترده که تنها با دوره های کمابیش کوتاه عقب نشینی و رکود نسبی از یکدیگر جدا میشوند، خیزشهای انقلابی با فواصل کم و کمتر، گشوده شدن و باز هم گشوده شدن مساله قدرت سیاسی در سطح جامعه و در جریان همه اینها، قدرت گیری روزافزون پرولتاریا و پیشروان کمونیست او، این آن دورنمای واقعی است که بورژوازی در ایران بطور عینی با آن روبروست صرفنظر از اینکه این یا آن دار و دسته دولتی رسمی اش بتواند چند روز، چند ماه و یا احياناً چند سال تعادل خودرا در راس ماشین دولتی حفظ کند.

4 در چنین شرایطی، و با چنین کابوسی، اینک دیگر تمام اقتدار بورژوازی به تکان و تکاپو افتاده اند. تابلوهای نجات میهن سرمایه یکی پس از دیگری بالا رفته اند و از فرط کثرت دیگر حتی بخاطر سپردن و شمردن همه آنها نیز میسر نیست - "جمهوری اسلامی با خمینی، بدون لاجوردی"، "جمهوری اسلامی با رجوی دمکراتیک"، "جمهوری سوسیال دمکراتیک اسلامی"، "ناسیونالیسم اسلامی"، "ناسیونالیسم غیر اسلامی"، "ناسیونالیسم آریایی"، "ناسیونالیسم آمریکایی"، "سلطنت خوان کارلوسی"، "سلطنت آریامهری"، "حکومت

ژنرالی"، "جمهوری پارلمانی"، یا "اصلا اشغال نظامی توسط آمریکا"، بالاخره باید یکی از اینها را قبل از اینکه آواز جمهوری اسلامی روی سر همه خراب شود بر قرار کرد - این رویای آشفته بورژوازی است - اینها عناوینی است که همه به یک اوضاع واحد رجوع می کنند، ختم انقلاب و هر نوع حرکت انقلابی و حفظ دوام و بقاء توحش بورژوازی در ایران.

5 در مقابل همه این تکاپوها و توطئه ها برای خواباندن صدای انقلاب و فیچی کردن روند انقلابات و بحرانهای انقلابی پی درپی، کارگران انقلابی ایران یک شعار را مطرح میکنند، شعاری که گویای حضور پیگیر طبقه کارگر ایران در تمام سیر پر تحول و پرافت و خیز جاری و آتی تا تحقق اهداف نهایی است.

6 شعاری که انگیزه و نیروی محرکه حرکت رو به جلوی مبارزه طبقاتی و انقلابی در ایران را در یک عبارت کوتاه بیان میکند: "آزادی، برابری، حکومت کارگری" این شعار کارگران انقلابی است. این شعاری است که تمام حرکتهای انقلابی در ایران معاصر، از انقلاب ۵۷ تا پیروزی نهائی را به هم مرتبط میکند.

7 "آزادی" یعنی رهایی کامل از قدرت و حاکمیت اقتصادی، سیاسی و فرهنگی سرمایه و سرمایه داری، یعنی رهایی از کلیه روابط، مناسبات و نهادهای اسارت آور و سرکوبگر جامعه بورژوازی، یعنی رهایی از چنگال بردگی مزدی، رهایی از انقیاد طبقاتی، رهایی از سرکوب ماشین دولتی بورژوازی، رهایی از بی حقوقی سیاسی و انقیاد فرهنگی، رهایی از پيله مذهب و پندارها و قوانین و ارزش های خرافه آمیز و عقب مانده جامعه موجود، رهایی از ستم های مذهبی، قدمی و جنسی، رهایی از فقر و فلاکت، جهل و خرافه و کل تبعیضات و مصائب جامعه بورژوازی.

8 "برابری"، یعنی نه فقط برابری حقوقی و قانونی، نه فقط برابری شهروندان جامعه از هر قوم و نژاد و جنسیت، بلکه برابری در امکانات مادی، در دسترسی به ابزارهای ارتقا و شکفتن استعدادها، فردی و اجتماعی، برابری در تولید و در زیست، برابری در اعمال اراده در

سرنوشت اقتصادی، سیاسی و اداره جامعه خود - برابری در بهره مندی از محصولات مادی و معنوی کار و تلاش اجتماعی و برابری در مبارزه برای فایق آمدن بر هر عقب ماندگی و کمبود - برابری ای که تنها با درهم کوبیدن مالکیت خصوصی بورژوازی بر وسایل تولید و مبادله، از میان بردن بردگی مزدی و قرار دادن وسایل تولید و ثروت جامعه در مالکیت جمعی و اشتراکی کلیه انسانهای سهمیم در فعالیت اجتماعی حاصل میشود.

9 "حکومت کارگری"، یعنی حکومت طبقاتی کارگران، حکومت استثمار شدگان و تولید کنندگان کل ثروت جامعه بر علیه استثمارگران، حکومت بردگان مزدی امروز و ناجیان فردای جامعه، حکومت کسانی که جامعه، نفس موجودیت و ثروت آن، بر کار و تلاش مدام آنها بنا شده است، حکومت کارگری یعنی طبقه کارگر متشکل بعنوان قدرت و طبقه رهایی بخش حاکم. حکومت کارگری یعنی حکومت سرکوب مقاومت استثمارگران در برابر رهایی بشریت تحت ستم. حکومت کارگری یعنی دیکتاتوری پرولتاریا علیه مدافعان فقر و فلاکت و استثمار و جهل و خرافه. حکومت کارگری یعنی دمکراسی برای کارگران و زحمتکشان و استثمار شدگان و سرکوب برای استثمارگران. حکومت کارگری یعنی ضمانت اجرایی واقعی آزادی و برابری.

10 پاسخ بورژوازی به این شعار پرولتاریا کاملاً روشن است. بورژوازی در برابر این شعار در سراسر جهان تنها یک پاسخ دارد و آن سرکوب، قهر و ارتجاع عریان ضد پرولتری است. جمهوری اسلامی خود تنها جزئی از این پاسخ و یک نمونه زنده آن است. اما لیبرال چپ ها و خورده بورژوا رفرمیستهایی که خود را به انقلاب و یا حتی سوسیالیسم می چسبانند نیز، هر قدر از اوضاع موجود ناراضی باشند و برسر اوضاع و "الترناتیو" مطلوب میان خود اختلاف داشته باشند، پاسخ کمابیش یکسانی را در مقابل ما قرار میدهند.

مجموعه ای از تهدیدات، تحریفات و غروولندها خطاب به کارگران کمونیست پرتاب میشود: "حکومت کارگری؟! این یک توهم است. مگر ارتش آمریکا را نمی بینید، مگر قدرت مذهب را نمی بینید؟ مگر عقب ماندگی فرهنگی جامعه را نمی بینید؟

مگر نمی بینید که بخش اعظم مردم مذهبی اند، روستایی اند، غیرپرولتراند؟ صنعت ما برای جامعه سوسیالیستی شما به اندازه کافی رشد نکرده است. آخر کارگران کم سواد وبی اطلاع شما چگونه قرار است جامعه مدرن امروز را اداره کنند؟ با کدام نیرو می خواهید حکومت کارگری را برقرار کنید؟ کدام کارگر، کدام طبقه کارگر متحد، کدام حزب طبقاتی، کدام نیروی متشکل برای تحقق این شعار وجود دارد؟ مگر شعارهای امروز مردم را نمی بینید؟ کسی در ایران زیر بار حکومت کارگری نخواهد رفت. زود است، غیر ممکن است، عملی نیست، توهم است."

11 بخش اعظم این نوحه خوانی ها را اراجیف و چرندیاتی تشکیل میدهد که آگاهانه جعل شده اند و بخش دیگر نیز بیان فرصت طلبانه و ریاکارانه واقعیتی است که بطور عینی سد راه حکومت کارگری و تحقق برنامه کمونیستی است. این واقعیات برای ما موانعی است که باید برچیده شود و برای بورژوازی و خرده بورژوازی سنگرهای است که باید در برابر پرولتاریای انقلابی حفظ گردد. اساسی ترین مانع تحقق فوری شعار ما، کمبود آگاهی طبقاتی، تفرقه و ضعف سیاسی و تشکیلاتی طبقه کارگر ایران است. آری، اگر کارگران ایران متحد بودند، به منافع طبقاتی خود واقف بودند، در حزب سیاسی انقلابی خود، حزب کمونیست ایران، گرد آمده بودند، آنگاه استقرار حکومت کارگری کار یگروز بود. ما برای نزدیک تر کردن آن "روز" مبارزه میکنیم و این شعار خود یک ابزار مهم ما در این مبارزه است. این شعار امروز آگاه و بسیج و متشکل میکند و فردا عملی میشود و به حاکمیت اقتصادی و سیاسی سرمایه خاتمه میدهد.

12 منصور حکمت ۲۸ آبان ۱۳۶۳ کمونیست، ارگان مرکزی حزب کمونیست ایران شماره ۱۴ - ۳۰ آبان ۱۳۶۳

اکتبر: برای مطالعه کامل این اثر جنبش کمونیستی و دیگر آثار منصور حکمت به آدرس زیر مراجعه کنید.

<http://hekmat-public-archive.net/>

# نه قومی، نه اسلامی، مرگ بر جمهوری اسلامی

### جنبش متمایز کارگری.....

به علاوه عملا از تعطیلی مراکز کارگری جلوگیری میکنند، کارگران را در محل کار محبوس و کنترل میکنند. از نظر هر کارگر آگاهی واضح است کل این برنامه ریزی آکروباتیک اسلامی در ضدیت با منافع کارگران و روز کارگر است. هر کارگر حق طلبی باید اعلام کند "هفته کارگر" پیش کشتان، اجازه نمی دهیم زیر این نام تنها یک روز همبستگی و اتحاد کارگرمیان را محو و بی ارزش کنید. باید گفت، مناسبت روز کارگر را با رفتن قبر خمینی و دیدار خامنه ای و نماز جمعه چه مربوط؟! و باید گفت این تنها روز جهانی و طبقاتیمان را زیر اجبار و فشار موجوداتان قربانی مناسک و نمایشات اسلامی نمی کنیم و مثل سالهای قبل مراسمهای دولتی و خانه کارگر را تحریم میکنیم و هر جا بتوانیم اجتماعات کارگری را سازمان میدهیم.

**اکتبر: تجربه سالهای اخیر نشان میدهد، بعضا شکاف و تقسیم بندیهای خلاف منافع و اتحاد کارگران وجود دارد و حتی برخورد های سستی و فرقه ای مانع اتحاد و مراسمهای بزرگ کارگران شده است. چه تضمینی هست که دوباره این تفرقه ها تکرار نشود و راه حل چیست؟**

**رحمان حسین زاده:** هیچ تضمینی جز هوشیاری و آگاهی طبقاتی خود کارگران و مهمتر حضور فعال رهبران و فعالین گرایش کمونیستی درون طبقه کارگر برای خنثی کردن تفرقه های ملی، مذهبی، جنسی، جغرافیایی، صنفی و رفتار و سیاست سکتی در صفوف کارگران وجود ندارد. فعالیت کارگر کمونیست موجود در میان کارگران با قطب نمای منافع همه جانبه طبقه کارگر، در هر قدم کوچک و بزرگ و از جمله در اول مه با نقطه عزیمت اتحاد بخشهای مختلف کارگری ضامن فایق آمدن بر تفرقه و پراکندگی ایجاد شده در میان طبقه

کارگر است. تا آنجا به اول مه مربوط است، تجربه ایجاد کمیته های برگزاری اول مه که در دوره ای در شهر سنندج و مشخصا سال گذشته هم در سطح سراسری و در تهران ایجاد شد، ظرف بسیار مناسبی برای ایجاد بیشترین و محکمترین اتحاد کارگران در اول مه و در ادامه آن است. در نتیجه امسال هم میشود کمیته برگزار کننده اول مه را در هر جا که ممکن است، ایجاد کرد. با تشخیص تناسب قوا و اوضاع در محل در مورد شکل مراسم و نحوه گرامیداشت اول مه تصمیم گرفت. مهمتر طی قطعنامه و یا بیانیه ادعا نامه امسال کارگران علیه وضع موجود و کل بخشهای بورژوازی اعلام کرد.

**اکتبر: برگزاری اول مه در شهرهای کردستان از سابقه مثبتی بهره مند است، از میان مجموعه مراسمها و آکسیونهایی که به مناسبت اول مه در کردستان برگزار شده، کدامیک را میتوانی الگوی برجسته و پر دستاوردتر دید؟**

**رحمان حسین زاده:** تجارب متنوع و با ارزشی وجود دارد. اما از میان این تجارب متنوع به نظر من مراسمهای سالهای 66 تا 68 در شهر سنندج هنوز الگوی برجسته و پیشرو نه تنها در کل شهرهای کردستان، بلکه در کل تجربه ماه مه در ایران است. آن سالها جنبش اعتراض همگانی وجود نداشت. از تب و تاب آکسیونی ضد رژیم خیری نبود، در شرایط تداوم جنگ ایران و عراق و پیامدهای آن علیه طبقه کارگر و جامعه، کارگران پیشرو شهر سنندج، قدم جلو گذاشتند، در تناسب قوایی به شدت نامساعد اما دقیق و سازمان یافته و کار شده و هدفمند، مبتکر مراسمهای سرخ کارگری و توده ای "پاساژ عزتی در سال 66، دبیرستان رنج آوری در 67 و سالن تختی در 68" شدند. مراسمهایی که در اوج قدر قدرتی جمهوری اسلامی زنان و مردان کارگر و آزادیخواه در کنار هم متحد و هم بسته با

**فرصت باقیمانده فعالین و پیشروان کارگری برای برگزاری موفقیت آمیز اول مه چکار باید بکنند. شاخص موفقیت اول مه امسال چیست؟**

**رحمان حسین زاده:** رهبران و فعالین رادیکال کارگری مدتها است کار خود را شروع کرده اند و به تجارب با ارزشی هم متکی هستند. خود آنها با تشخیص تناسب قوا و سبک و سنگین کردن اوضاع دقیق تر میتوانند اقدام کنند. من میخواهم تاکید کنم که ایجاد کمیته های برگزاری اول مه را باید جدی گرفت. هر جا که هنوز درست نشده اند، لازمست به فکر راه اندازی آنها بود. از کانال این کمیته ها، اتحاد و همبستگی کارگری را به همه مراکز کارگری تحت پوشش گسترش داد. تدارک سیاسی و عملی حول اول مه را شتاب بخشید. شناساندن محتوای طبقاتی و انترناسیونالیستی و جوهر این روز به هم طبقه ایهایمان، یادآوری تجارب و پیامها و دستاوردهای روز اول مه در هر جا که طبقه ما در این مناسبت پیشروی داشته است. تلاش برای فایق آمدن بر پراکندگی موجود در صفوف طبقه کارگر و تلاش برای ایجاد ارتباطات مشترک و محکم برای ایجاد هماهنگی در اول مه و سپس در مبارزات جاری. ممکن کردن اجتماعات کارگری، و .... میتواند رنوس اساسی اقدامات امسال باشد. به ویژه امسال انتشار بیانیه و یا قطعنامه کارگری که ادعایمان را علیه مصائب زندگی کارگران را زیر خط فقر و راه پایان دادن به آن را در مطالبات روشن بیان کند و به علاوه در اوضاع سیاسی امسال ایران به روشنی و با بیانی مناسب جدایی صف کارگران از جدال جناحهای بورژوازی و مشخصا دو جناح سبز و سیاه اسلامی را اعلام کند، پیشروی جدی خواهد بود.

مصاحبه کننده: اسماعیل ویسی  
\*\*\*

سرود انترناسیونال شروع کردند و در ادامه رهبران و آژیتاتورهای کارگری با شفافیت کمونیستی نظم سرمایه و مصائب آن را به نقد کشیدند، و با قرائت قطعنامه های رادیکال کمونیستی کارگری، صفحه درخشانی از ابراز وجود اجتماعی جنبش متمایز سوسیالیستی کارگری را به ثبت رساندند. وقوع این پدیده درخشان این سالها یک روزه و بدون پیشینه نبود. وجه تعیین کننده تریه اصطلاح "پشت صحنه"، فعل و انفعالاتی بود که نتیجه یک دوره چند ساله آگاهگری و سازمانیابی کمونیستی در محل کار و زیست کارگران سنندج بود. از مدتها قبل فعالین و رهبران مراکز کارگری آن زمان شهر سنندج از کارخانه های پوشاک و شامو گرفته، تا کارگاههای فلزکاری، مکانیک، برقکار، تراشکار، نجار و خیاط و خباز در ارتباطی آگاهانه، صفی متحد را ایجاد کرده بودند. شبکه های وسیع مبارزاتی را شکل دادند. برای یک دوره معین تشکل "اتحادیه صنعتگر" را ایجاد کردند. مهمتر گرایش کمونیستی درون کارگران و تحزب کمونیستی نقشی تعیین کننده و یکه تاز و بلامنزاع را در متحد کردن کارگران و در مراسمهای اول مه ایفا میکرد. چند سال قبل در جزوه ای تحت نام "جنبش کارگری در کردستان" در یاد آوری این مراسمهای غرور آفرین چنین نوشتیم "مضمون سخنرانیها و شعارها و به ویژه قطعنامه این متینگها مستقیما در دیدگاههای کمونیسم و سوسیالیسم کارگری ریشه داشتند. هر ناظر با انصافی با مشاهده قطعنامه های این سالها میتواند دریابد که این پلاتفرم کارگران کمونیست در جنبش کارگری و در جامعه برای ساختن آینده و دنیایی بهتر است. از این زاویه آکسیونهای ماه مه در این سالها اهمیت تاریخی و پایه ای تری در جنبش کارگری ایران و در کردستان پیدا میکنند". از نظر من این ارزیابی هنوز هم به قوت خود باقی است.

**اکتبر: به عنوان آخرین سوال در**

## زنده باد سوسیالیسم!

## اتحاد ضامن پیروزی .....

اتحاد و همبستگی را در اولویت طرح ها و نقشه های ممکن و قابل اجرا می گذاشتیم. علیرغم فضای سرکوب و اختناق شدید پلیسی راهکارهای ممکن را طراحی میکردم با فعالین ورهبران کارگری در محل کاروندگیشان رابطه ای مستحکم و دوستانه داشتم با آنها برسر اجرای برنامه های ممکن در این روز تبادل نظر و مشورت می کردم. با فعالین کارگری کمیته برگزاری مراسم اول مه را سازماندهی می کردیم، براساس شرایط و توانایی ها تقسیم کار میکردیم. ظرفیت ها، امکانات و شرایط حاکم بر کاروندگی اجتماعی کارگران و فعالین کمونیست را با دقت ارزیابی میکردیم. برای حفاظت از فعالین کارگری و کمونیست تلاشم براین بود که بعد اجتماعی و علنی برنامه ها را توسعه و گسترش دهم. با این هدف که مصونیت امنیتی رهبران و فعالین کارگری تامین شود. همیشه به چند طرح و برنامه فکر میکردم. پیش بینی اینکه اگر در یکی از برنامه ها و مراسم ما موفق نشدیم تبدیل چه باید باشد. چند طرح را آماده بررسی و در نهایت اجرا میکردیم. جوانب عملی شدن برنامه ها را ارزیابی میکردیم. در مورد مطالبات اقتصادی و سیاسی کارگران چند ماه قبل از اول مه تا روز مراسم، سلسله بحث ها بی را مطرح میکردیم. بحث و جدل در مورد قراردادها، حقوق و دستمزدها، بیمه و شرایط حاکم بر محیط کاروندگی کارگران را در دستور اجرای فعالین کارخانه ها و محیط های کارگری می گذاشتیم. تلاش ما براین بود که توقعات کارگران را بالا ببریم، برای برگزاری مراسم اول مه فعالین کارگری در محل رهبری و هدایت بحث ها را به عهده میکردیم. در مجامع عمومی و جلساتی که در محل کار و خارج از محل کار برگزار میشد باهم تبادل نظر و تصمیم گیری میکردیم. در مورد قطع نامه ها و بیانیه های پیشنهادی اول مه توسط فعالین کارگری در بخشهای مختلف تبادل نظر میشد. نتایج همه جلسات به کمیته آورده میشد. کمیته جمع بندی مفصلی سر رئوس مطالبات سیاسی و

اجتماعی میکرد. قطع نامه و بیان نامه نهایی با توجه به مطالبات سیاسی و سراسری کارگران تدوین و فرموله میشد. این قطع نامه ها برای تصویب در اختیار فعالین دست اندر کار اول مه، مجامع عمومی و هیئت مدیره صنف های کارگری گذاشته میشد. پس از تصویب بعنوان یک قطع نامه واحد برای همه بخشهای کارگری در مراسم ها قرائت می شد.

در مقابل تلاش های ما، فشار ها و تهدیدات از طرف نهاد های وابسته به حکومت مانند شورای اسلامی کارخانه ها، خانه کارگریها، حراست و نیروهای امنیتی بطور مدام بر فعالیت ما سنگینی میکرد. این نهادها سعی میکردند کارگران را به مراسم های فرمایشی و دولتی بکشانند و بار جز خوانی مسئولین دولتی این روز را از سر بگذارند. اما هر سال ما طرح های تازه تری را برای برملا کردن این ترفندهای زرد و ارتجاعی به اجرا می گذاشتیم.

از یک طرف تلاش جمعی ما فعالین اول مه متکی به اراده توده کارگران و زحمتکشان جامعه برای برگزاری هرچه باشکوهتر اول مه در جریان بود. از طرفی دیگر، دستگاههای امنیتی و نهادهای دولتی امکانات و تبلیغات خود را بسیج میکردند که مانع برگزاری مراسم ما بشوند. در میدان این کارزار اجتماعی- طبقاتی تا آنجا که به تجربه شهرهای کردستان برمیکرد ما هر سال مراسمهایی را در ابعاد کوچک و بزرگ به انجام میرساندیم. همیشه نیروهای امنیتی و سرکوبگر غافلگیر می شدند. با ابتکار و کاردانی ما کمونیستها ترفندهایشان نقش بر آب می شد. وقتی که با این وضعیت مواجه می شدند ناچار یا کوتاه می آمدند یا پس از آن دست به تعرض میزدند و تعدادی از فعالین را بازداشت میکردند که از فوت و فن فعالیت ها سردر میاورند. تلاش نیروهای دولتی براین بود که مانع تحرکات مداوم شوند. ما از رهبرانی چون فیشر، فویرنگل، اسپارتاکوس و جمال چراغ ویسی ها به اینجا رسیده بودیم تاریخی به قدمت جامعه طبقاتی را پشت سر داشتیم. ما از کارگران و بلشویکهای انقلاب اکتبر اعتراض و پراتیک کمونیستی را فرا گرفته بودیم.

در همین راستا پرچم سرخ اول مه را در شهرهای کردستان بر زمین جنگ علیه نظام سرمایه داری و جریانات ارتجاعی می کوبیدیم. تلاش ما براین بود که سنت جنبش اول مه را در شهرهای کردستان تقویت کنیم و استمرار بخشیم. رهبران را به جامعه بشناسانیم. پرچمش را به امید توده کارگر و ستمکش جامعه تبدیل کنیم در همین جهت عملا گامهای بزرگی را برداشتیم.

**اکتبر: به بعد طبقاتی و همبستگی طبقاتی - اجتماعی کارگران در مراسمات اول مه اشاره نمودید. و میدانید که این روز تعلق خاطر از لحاظ سازمانی و سیاسی به هیچ حزب سیاسی خاصی ندارد و روز همبستگی طبقا تی است. در تدارک این مراسمات " گروه گرانی، فرقه گرانی و سکتاریسم سازمانی " تا چه حد مانع و باعث می شد که کار پروسه تدارک نه تنها به کندی پیش برود بلکه هم باعث کمتر باشکوهتر برگزاری مراسمات شوند؟ و لازم هست سازماندهندگان چکار باید بکنند؟**

**آزاد زمانی:** لب کلام " جشن اول مه" است. اول مه هیچ غل و غش دیگری را نمی پذیرد. این جنبش سنتی به قدمت تاریخ سرمایه دارد. اول مه با اعتراض و کيفرخواست طبقه کارگر علیه بردگی مزدی، علیه نظام سرمایه داری معنا پیدا میکند. پرچم اول مه رهایی کارگر از ستم و استثمار و در نهایت رهایی بشریت را نمایندگی میکند. هر انسانی ویا هر جمعی که به آزادی و برابری آحاد جامعه اعتقاد دارد می تواند برای برپایی اول مه تلاش کند. عرصه مبارزه وسیع است. دشمن طبقاتی ما حاکمیت سیاسی و اقتصادی را اختاپوس گونه چسبیده است. جنگ با این هیولای استثمارگر بدون متحده شدن، بدون متشکل شدن و بدون مبارزه در همه عرصه های سیاسی و اقتصادی غیر ممکن است. پرچم اول مه را باید در این جهت به حرکت در آوریم. این روزها باید به سراغ هم سرنوشتان مان برویم دست کارگران ورهبران کارگری را در دست یکدیگر بگذاریم. روحیه کار جمعی و متحدانه را تقویت کنیم. از ابتکارهای تازه تری برای فائق آمدن بر ترفندهای

حکومت سرمایه داران استفاده کنیم. فضای تبلیغی اول مه را با نو آوری و استفاده از امکانات موجود بالا ببریم. توده مردم کارگر و زحمتکش جامعه را به برگزاری مراسم اول مه فرا بخوانیم. محل های علنی مراسم ها را به مردم بطور مناسب اطلاع دهیم. اهمیت این جشن را در اوضاع سیاسی و اقتصادی موجود به دوستان و آشنایان گوشزد کنیم. از تجربه رهبران و برگزاری مراسم در سال های گذشته استفاده کنیم.

از تفرقه و پراکندگی خود داری کنیم. واقعیت امر این است ما از پراکندگی و فرقه بازی به جایی نمی رسیم. تا آنجا که به تجارب من از مراسم سال 1368 به بعد تا به امروز بر میگردهم. فرقه گرایی و سکتاریسم چیزی بجز تشتت و پراکندگی نصیب طبقه کارگر و فعالین جنبش کارگری نکرده است. اول مه جشن همبستگی طبقاتی کارگران علیه نظام سرمایه داریست. کمونیست ها منفعتی در تفرقه سیاسی و اجتماعی طبقه کارگر ندارند. هر انسانی که به آزادی و برابری می اندیشد باید حول پرچم " کارگران جهان متحد شویم" در این روز گرد آید. اول مه روز اثبات حقانیت ایده ها و اندیشه های فرقه ای و فردی نیست. فعالین کمونیست ورهبران کارگری باید تمام نیرویشان را روی برگزاری مراسم های وسیع اول مه بگذارند هر کس ادعا یی دارد گوشه ای از مراسم را بگیرد. کاری را پیش ببرد که به نفع طبقه انسان رنجکش جامعه باشد. سراغ هم سرنوشتها پیش برود، آنها را به برگزاری مراسم تعقیب کند. هیچ فرد و محفلی حق ندارد منفعت طبقاتی کارگران را در این روز قربانی منفعت خویش سازد. تعلقات سیاسی و اختلاف نظر در میان کارگران طبیعی است نباید که دخالت فعالین و سازماندهندگان اول مه را محدود ویا مشروط کند. اتحاد ضامن پیروزی ماست باید متحد شویم!

**اکتبر: بهترین خاطره ای که دارید چیست؟ که فکر میکنید اکنون می تواند برای سازماندهندگان و فعالین کارگری و شرکت کنندگان حاوی تجارب عملی باشد؟**

ادامه در صفحه ۷

**زنده باد برابری!**

**زنده باد آزادی!**

## زنان کارگر پای ثابت مراسم و جشن های اول ماه مه در کردستان بوده اند

مصاحبه اکتبر با نظیره معماری

**اکتبر: برگزاری مراسم های اول ماه مه در اشکال متنوع در کردستان به سنتی نسبتاً گسترده تبدیل شده است و نقش زنان در تدارک، سازماندهی و رهبری این مراسمها چگونه بوده است؟**

**نظیره معماری:** به جرات میتوانم بگویم که عرصه مهمی از مبارزه طبقه کارگر که زنان کارگر در آن نقش برجسته ای داشته اند مراسم های اول ماه مه بوده است. بدون استثنا در همه مراسمهای بزرگ و کوچک که در سی سال گذشته در همه شهرها و بعضاً برخی دهات کردستان سازمان داده شده است زنان نقش قابل توجهی در شرکت فعال در آن داشته اند. در مراسم های بزرگ سنجید در اوج خفقان و کشتار سالهای 60 در سالهای 65 تا 68 و در اجتماعات بزرگ، زنان همراه با مردان کارگر از فعالین این مراسم ها بوده اند. هر چند آن سالها هنوز فضای عمومی فعالین و سازماندهندگان این مراسم ها توجه جدی به روی آوردن و راه باز کردن برای این فعالین زن همراه و شانه به شانه مردان نمیداد اما هیچکس نمیتواند نقش رفقای کارگر زن در شکل گیری این مراسم ها را نادیده بگیرد. در پشت صحنه و در محافل خانوادگی این فعالین زن بودند که بیشترین مایه را برای شکل گیری این مراسم ها داشتند. تشکل اتحادیه صنعتگر تکیه گاه کارگران در سنندج برای این مراسم ها بوده است. فعالیتهای متنوعی که این تشکل در مثلا 8 مارس و صندوق مالی کارگران و ... داشت برای این مراسم ها و نقش زنان در آنها هم تعیین کننده بود. با وجود اینکه زنان در این تشکل عضویت نداشتند اما در همه فعالیتهای دیگر این تشکل حضور داشتند. در تدارک مراسم های اول ماه مه در گروه های تبلیغ و تدارک زنان بسیار فعال

بودند. با این وجود باز هم نیرو و توانی که "مادران" و "خواهران" و "همسران" در این مبارزات بکار میبردند بسیار برجسته بوده اما در مجموع زنان کارگر و فعالین چپ بخشی از این مراسم ها بوده اند.

دهه هفتاد و هشتاد نیز که به نسبت سابق زنان کارگر و فعالین چپ در میان زنان بیشتر شد مراسم های اول ماه مه همیشه در برگزیده بخش های زیادی از این فعالین و زنان کارگر بوده است. میتوانم بگویم که با مروری بر همه اخبار این مراسم ها و مراجعه به فعالین کارگر زن و مرد که داشتیم در همه این سالها زنان از فعالین و برگزار کنندگان این مراسم ها بوده اند و شرکت و نقش زنان یک مساله ثابت در این حرکات بوده است.

در روز اول ماه مه فضای خانواده های کارگری و فعالین این مراسم ها بکلی دگرگون میشد، شاید از روزها قبل همینطور بود اما در روز کارگر کار تعطیل میشد در خانه و کارگاه های قالی بافی و تولیدی ها بویژه زنان کار را تعطیل کرده و برای مراسم های اول ماه مه آماده میشدند. بعدها تشکل های مختلف کارگری و حمایت از زنان و کودکان در کردستان بیشتر نقش زنان را در اول ماه مه برجسته میکنند. برای نمونه همراه با تشکل های کارگران در رشته های مختلف و فعالین آنها، جامعه حمایت از زنان در کردستان و کانون دفاع از حقوق کودکان در کردستان از کانون های فعالیت برای سازماندهی اول ماه مه در شهرهای مختلف بوده اند. نقش زنان در این سالها نه تنها افزایش یافته بلکه تا سطح رهبری و سازماندهی برخی مراسم ها و تظاهرات های این روز پیش رفته اند. فعالیت های پشت صحنه به همت بسیاری از فعالین کمونیست و چپ باز هم به صحنه فعالیت علنی برگشت و این بار زنان نقش مهمی را نه تنها در پشت صحنه بلکه در رهبری این مراسم ها ایفا کردند. دیبا علیخانی، سوسن رازانی، شیوا خیر آبادی و بسیاری از دست اندرکاران زن این فعالیتهای بارها و بارها مورد تعقیب و آزار و محکومیت و شلاق و زندان قرار گرفتند. نجیبه

صالحی به عنوان همسر محمود صالحی به همزم او تبدیل شد و این ضرورت وجودی طبقه کارگر و فعالین و مبارزانش است. ضرورت زندگی ما زنان است که برای مردان و همسران دیگر نه کارکنان بی حیره و موجب در خانه بلکه به عنوان استنثار شونددگانی که با کار مشترک در خانه و بیرون بیشترین سود به جیب سرمایه داران جاری میشود و بیشترین سرکوب و استنثار و بی حقوقی نصیبمان میشود، این را ما کمونیستها و ده ها و صد ها زن کارگر و مبارز چپ در شهرهای کردستان در سالهای متمادی به آگاهی خود تبدیل کرده ایم. این خود آگاهی و مراسم های اول ماه مه ناشی از وجود طبقه کارگر اعم از زن و مرد آن است.

اضافه شدن فرهنگ اسلامی به نظام سرمایه داری در ایران و قبضه کردن دولت به وسیله مذهبی ها روزگار را بر زنان کارگر بویژه سپاه تر کرد. زنان در ابعاد وسیعتری باز هم برده خانگی و بی حق و حقوق شدند. ارتجاع مردسالار و متعفن اسلامی باز هم مانع وارد شدن زنان به بازار کار شد. استخدام بدون مزد زنان در خانه و مزد ناچیز برای مردان در بیرون بهترین راه برای کسب سود فوق العاده از طبقه کارگر است که برای سرمایه داران کمترین هزینه را به این ترتیب در بر دارد.

**درباره کارگر در کردستان** موجودیتی اجتماعی و مبارزاتی است. هر جا سرمایه دار و کارگاه و کارخانه و شرکتش بوسیله کارگران برپا شده آنجا مبارزه برای بهبود کار و زندگی در جریان بوده است. زنان کارگر در کردستان محصولی از این واقعیتند و نقش آنها در مبارزات سیاسی و اجتماعی هم تابعی از این واقعیت بوده است. جنبش کارگران در کردستان و خواست و مطالبات آنها جنبش سیاسی خود را ایجاد کرده است که در جریانات و احزاب مختلف چپ و کمونیست در هر دوره نمایندگی شده است. کارگران همیشه جریانات سیاسی متعلق به خود را حمایت کرده اند. بورژواها و افسار دیگر که معمولاً در

احزاب ناسیونالیستی در کردستان تجمع دارند همواره تلاش کرده اند که با دامن زدن به تفرقه و تعصبات ملی بخشی از کارگران را دنباله رو خود کند و موفق هم بوده است که ناشی از ناآگاهی کارگران به منفعت طبقاتی شان بوده است.

**اکتبر: فضای خفقان موجود امسال چه تاثیری بر فعالیتهای این روز میتواند داشته باشد؟ چکار باید کرد؟**

**نظیره معماری:** اول ماه مه و مراسم های آن همانطور که اشاره کردم همیشه در فضای سرکوب حال با شدت و ضعف برگزار شده است مخفی و دور از چشم پلیس و اطلاعات حکومت اسلامی و در اجتماعات بزرگ. اکنون هم این چنین فعالیتی وسیعاً در جریان است. سال گذشته سال جنبش سبز در ایران بود. زنان و فعالین زن و مرد کارگر و کمونیست مخصوصاً لازم است که ماهیت سرمایه دارانه این جنبش و توهم توده ها به آن را بشناسند و بشناسانند. تجمع های اول ماه مه فرصتی برای این است و فرصتی برای متحد شدن و همبستگی بین المللی طبقه کارگر در ایران و جهان.

هر چند سرکوب و خفقان قادر به محدود کردن اعتراض و تجمع کارگران در روز جهانی کارگر میشود ولی نمیتواند دست فعالین آن را برای فعالیتهای مختلفی که قادر به انجام آن هستند ببندد. اول ماه مه را باید به اجتماعات بزرگ و علنی و قدرتمند با شرکت و رهبری زنان کارگر و مردان کارگر باز گرداند و این هدفی است که هر کمونیست و سوسیالیستی در میان کارگران لازم است تعقیب کند. روز جهانی کارگر روز آگاهی ما به سرمایه داری و نظام استنثارگر و سرکوبگرش است و روز آگاهی و متشکل شدن ما برای مبارزاتمان بعنوان یک طبقه. ما بدور از هر نوع تفرقه ای به استقبال این روز میرویم. پیشاپیش اول ماه مه را به همه زنان و مردان کارگر تبریک میگویم. #

مصاحبه کننده: اسماعیل ویسی

**مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!**



## اتحاد ضامن پیروزی...

**آزاد زمانی:** خاطره ها بی که امروز برای فعالین کارگری میتواند جای تعمق باشد مربوط به حال و هوای روز های جهانی کارگر در سالهای 1368 تا 1386 است. اما بعد از برگزاری اول مه 1368 سرکوب گسترده فعالین کارگری شهر سنندج و اعدام جمال چراغ ویسی رعب و وحشت بر جامعه حاکم شده بود. آن روزها ی بسیار سخت سرکوب و بگیر و ببند، فکر کردن به برگزاری اول مه حتی برای برخی از دوستان هم مشکل بود. رژیم با دستگیری و سرکوب و اعدام تلاش کرده بود بذریاس و ناامیدی را در میان فعالین کارگری و سیاسی بپاشد. تاحدی سیستم امنیتی و سرکوب در این رابطه موفق شده بود. ما بعد از دوره طولانی زندان متوجه این وضعیت شده بودیم. با دامن زدن به فعالیت های توده ای و کارگری تلاش میکردیم که فضا را به نفع جنبش کارگری تا حد توان هدایت کنیم. در همان وضعیت و درگیرودار تلاش های ما کمونیست های کارگری، گرایشاتی بر این باور بودند که دیگر حرف از جنبش کارگری و اول مه به جایی نمی رسد. برخی دیگر هم میگفتند در این شرایط نباید تندروری کرد و بحث رهبران علنی و مراسم علنی اول مه اشتباه است، عملی نیست. حتی بر این باور بودند که نباید در مورد دستگیری فعالین کارگری "جنجال" بپا کرد. برخلاف همه این نمیشود ها و نباید کردها و نق نق کردن ها و قایم موشک بازیها من اعتقاد داشتم که باید این جنگ اجتماعی را سازمان داد. باید بحث فعالین کارگری و رهبران عملی را گسترش دهیم باید اعتراضات کارگری را مستقل از نهادهای ارتجاعی و دولتی سازمان دهیم. باید اعتصاب کرد. تشکیلات کارگری درست کرد. همچنین باید اول مه را علنی برگزار کنیم. بعد از یک دوره طاقت فرسا اما پر شور و شوق تعدادی از دوستان را قانع کردیم. در این پروسه با فرا رسیدن اول مه در سال 1374 "کمیته برگزاری مراسم اول مه" را به اتفاق هیئت مدیره سندیکای کارگران خباز تشکیل دادیم. این کمیته هر سال مراسمها را هدایت میکرد و از فعالین بخش های دیگر کارگری یاریگیری میکردیم. سال 78 کمیته را به دیگر

شهرهای کردستان گسترش دادیم. کمیته در این مقطع مرکب بود از سه نفر از هیئت مدیره سندیکای کارگران خباز سنندج و دونفر از کارگران نساجی کردستان. در اولین جلسه در محل سندیکای کارگران خباز تصمیم گرفتیم که با سایر شهرهای کردستان تماس بگیریم و رسماً از فعالین کارگری بخواهیم که همزمان مراسم روز جهانی کارگر را برگزار کنند. از دبیر سندیکای کارگران خباز شهر بانه دعوت کردیم به سنندج آمد و سر چند و چون برنامه ها و مطالبات به توافق رسیدیم. دونفر از کارگران خباز شهر میوان هم به کمیته دعوت شدند. پس از دو جلسه: یک جلسه در دفتر سندیکای وقت میوان (انجمن صنفی کارگران خباز) و جلسه دوم در محل سندیکای سنندج و همزمان با مجمع عمومی کارگران خباز سنندج برگزار شد. کمیته تدوین و تهیه قطع نامه و بیانیه های روز کارگر را به عهده من گذاشت. پس از تصویب قطع نامه و بیانیه توسط مجمع عمومی سندیکا و نوبت تصویب در تشکل های کارگری شهرهای دیگر بود که من و یکی از اعضای سندیکای کارگران خباز بعنوان نماینده کمیته برگزاری به شهر سقز رفتیم و آنجا با هیئت مدیره وقت سندیکای کارگران خباز جلسه گرفتیم. دوازده نفر در سقز ماندیم. صرف نظر از بحث ها و گفتگوهای زیاد سر مراسم با محمود صالحی و چند نفر دیگر از فعالین کارگری بر سرچگونگی مراسم و تصویب قطع نامه اول مه در سندیکای کارگران خباز سقز بحث و تبادل نظر کردیم. همه با برگزاری مراسم کارگری مستقل از نهادهای دولتی موافق بودند. نهایتاً قطع نامه و بیانیه آنجا هم به تصویب رسید. قطع نامه با مهر و امضا نمایندگان برای انتشار در اول مه آماده شد. یک تراکت برای اول مه تهیه کردیم تقریباً اکثر مراکز و محلات کارگری را تحت پوشش تراکتها و شعارها قرار دادیم. با رانندگان مینی بوسها و سرویسهای کارگران کارخانه شاهو و کارخانه نساجی رابطه دوستانه ای داشتیم هر روز صبح زود که کارگران را سوار میکردند گروه تبلیغ بعنوان شاگرد مینی بوس کارگران را تا کارخانه همراهی میکردند و اوراق را در میان آنها توزیع میکردند. تا روز نهم اردیبهشت همه کارها طبق برنامه های از پیش

تعیین شده به اتمام رسیده بود. به کامیاران رفتیم و بعد از ظهر من به محل کارم در سنندج میدان آزادی برگشتم. دونفر از فعالین و همکاران ما گفتند، از اداره اطلاعات فشار آورده اند که نباید کارگران در خیابان فردوسی مقابل این کار غیر قانونی است و تهدید کرده اند که سرکوب می کنند. ده دقیقه بعد دو اکیپ از نیروهای اداره اطلاعات به محل کارمن حمله کردند من اعتراض کردم آنها گفتند نامه دادستانی دارید و حشیا به ضرب و شتم پرداختند. کوشش پدرم و مردم در خیابان برای رهایی من از چنگ آنها به جایی نرسید بیشتر از ده نفر از مأموران اطلاعاتی و انتظامی در خیابان حسن آباد مرا با مشت و لگد و باتم کلافه کردند. مردم اعتراض کردند ولی عملیات را چنان طراحی کرده بودند که فوراً مرا از محل ربودند. در ماشین سرم رابا فشار زیر صندلی فرو کردند. تا حیاط اداره اطلاعات بیهوش شدم آنجا دوباره که به هوش آمدم سراغم آمدند و یک مقداری آب سرد روی سرم ریختند از سرما و درد شدید مینالیدم دستانم را با دست بند بسته بودند انگشتم را شکستند و گفتند "پدر سوخته میخواهی حکومت کارگری تشکیل بدی؟ قطع نامه و بیانیه می نویسی؟ دادگاهی محمود صالحی یکی از خرابکاران و ایادی بیگانه را محکوم میکنی؟". بعد از چهار پنج ساعت ضرب و شتم توسط تیم بازجویی از من خواستند که به محمود صالحی زنگ بزنم و بگویم که به خاطر مسایل امنیتی مراسم اول مه را برگزار نمی کنیم و همه برنامه ها کنسل است. هرکاری کردند قبول نکردم. پدرم شیرزاد را آوردند آنچنان کتکش زدند که خون از گوشه اش جاری شد گوشش را له کردند. آنها همه حسابهایشان را کرده بودند که مراسم را با بازداشت ما و تهدید فعالین مهار کنند. در حالیکه ما قبلاً با اعضای کمیته به توافق رسیده بودیم که در هر شرایط حتی اگر تعدادی هم دستگیری دادیم مراسم ها برگزار شود و مراسم ها را تبدیل به اعتراض برای آزادی دستگیر شدگان کنیم. تا روز بعد ساعت حدود ده صبح به بازجویی و اذیت کردن ادامه دادند. بعد متوجه شدم که مراسم ها انجام شده است در سقز محمود را بازداشت و ناچاراً ایشان را آزاد کرده بودند که به مراسم

## کارگران جهان متحد شوید!

## کارگران پیشرو توطئه ....

این جانبان روز اول "هفته کارگر" خود را روز تجدید پیمان با آرمانهای خمینی نامگذاری کرده اند که در آن روز از کارگران میخواهند بر سر قیام یک شخصیت قرون وسطی و ضد کارگری و ضد بشری بروند. روز دوم را روز "کارگر زن" نامگذاری کرده اند تا ابتدا طبقه ما را از وسط دو تکه کنند و از طرف دیگر ماهیت و عملکرد ضد زن بودن خود را پنهان نمایند. روز فاطمه یعنی روز بربریت و جهالت را با روز جهانی زن که روز رهایی از ستم و نابرابری از جمله خلاصی از افیون مذهب و حکومت اسلامی میباشد جانشین میکنند. حال به فکر "زن کارگر" افتاده اند و از طریق ضد زن ترین نهاد در دفتر ریاست جمهوری شان میخواهند "زنان کارگر" را هم "گرامی" بدارند. روز سوم را نیز به روز خدمت به ارتجاعی ترین و ضد کارگری ترین قانون کار در جهان، یعنی روز خدمت به قانون کار اسلامی تعریف کرده اند. این دیگر گستاخی تمام عیار است که طبقه کارگر را به التزام به قوانین دعوت میکنند که از بیخ ارتجاعی و بند به بند آن برای انقیاد کارگر تدوین شده است. روز چهارم روز تجدید پیمان با ولایت خامنه ای نامگذاری شده است. یعنی روز "تجدید پیمان" با مرکز صادرات تعفن و رهبر باندهای آدمکش و ضد کارگر. روز پیمان با مفتخورترین، دروغگو ترین، پست ترین و ضد آزادی ترین قشر جامعه. روز پنجم نیز روز کارگران جوان و پیمانی است که سرمایه داران ایرانی با این ترفند "کارگر جوان" را به تحمیل بیکاری و کار موقت و اطاعت از قراردادهای سفید که با دست خود چک سفید به کارفرما و دلالت بازار میدهند که تا آخرین روزهای جوانی شان مطیع باشند و به شکر گذاری در سیر کردن شکم رضایت دهند. این شکرگرد شناخته شده و آگاهانه سرمایه داری علیه نسل جوان کارگر تازه وارد شده به "بازار کار" است که نباید آنرا پذیرفت. و اما جالبتر اینکه روز ششم روز "معنویت" نامگذاری شده است. همان معنویت اسلامی که خمینی گفت ما "معنویت نصیب شما میکنیم" و سی سال است جامعه ایران جز فساد، زدزدی و جنایت و آدمکشی و تحمیل تن فروشی رسمی و به اعتیاد کشاندن میلیونها انسان و دروغ و افترا که اساس معنویت اسلام و حزب جمهوری اسلامی بود و هست روایت دیگری از "معنویت" اینها را ندیده و نخواهد دید. این روز را عمادانه به روز

جمعه انداخته اند تا بساط خرافات نماز جمعها و قمه کشی اسلامی و سنی و شیعه گری را چند ساعتی گرم کنند. و بلاخره با این نمایشنامه مسخره شش روزه حلقه روز هفتم فرا میرسد و امروز مترادف میشود با روز جهانی کارگر. برای این روز نیز برنامه از پیش تعریف شده آماده است: به دیدار مجلس رفتن، مراسم دولتی گرفتن با سرپرستی خانه کارگر، سخنرانی فرماندار در "روز کارگر" و با دیدار خانواده کشته شده گان و معلولین جنگ و عزاداری به پایان میرسانند.

تمام محتوا و هدف این فیلم مسخره که در هفت سریال ضد کارگری به نمایش گذاشته میشود سر تا پا ارتجاعی و ضد کارگری است. فیلم "هفته کارگر" جمهوری اسلامی و کارفرمایان و خانه کارگر نه تنها سر سوزنی به طبقه کارگر ربطی ندارد که در تقابل کامل با حق و مطالبه و ارزش و احترام طبقه کارگر تدارک دیده شده است! برای تضعیف روز جهانی کارگر و اتحاد و همبستگی کارگران مراکز مختلف، برای ممانعت از شنیدن صدا اعتراض به ندادن دستمزدهای معوقه و تعیین حداقل مزد بردگی امسال، و به منظور ممانعت از ابراز درد و نیاز واقعی امروز طبقه ما و ممانعت از رو آمدن خواست آزادی کارگران در بند و حق اعتصاب و تشکل و زندگی. هفته کارگر رژیم برای مقابله با خواست و اهداف جنبش سوسیالیستی درون آن طبقه طراحی شده است. کارگران با اتحاد و همبستگی خود و برگزاری وسیعترین گردهمانیها در مراکز مختلف کار و کلوبهای خانوادگی و محافل به استقبال روز جهانی خود خواهند رفت و مراسمها و گردهمانیهای تماما مستقل از دولت و نهادهای دولتی و "هفته کارگر" برگزار میکنند. با این تلاش گام بزرگی در تقویت مبارزه طبقاتی و خود آگاهی خود بر خواهند داشت و تره برای برنامه های ضد کارگری "هفته کارگر" حاکمیت خورد نخواهند کرد.

کارگران با افشا ماهیت و اهداف "هفته کارگر" و تلاش برای تحریم و عدم شرکت در این نمایش مسخره از طرف همه بخشهای کارگری نفرت آگاهانه و متحدانه خود را از تداوم ضدیت سرمایه داران و حکومت اسلامی با کارگران بیش از پیش به نمایش خواهند گذاشت و راه پیشروی و اتحاد و همبستگی طبقاتی خود را تقویت و گسترش خواهند داد.

سه شنبه ۳۱ فروردین ۱۳۸۹

**نشریه اکتبر را بخوانید،  
آنها تکثیر و بدست  
خوانندگان برسانید،  
برای آن مطلب و  
گزارش تهیه کنید**

**اکتبر روز دوشنبه هر دو  
هفته یکبار منتشر میشود**

**تماس با دبیر کمیته کردستان  
رحمان حسین زاده  
تلفن: 0046739225969  
ایمیل  
husienzade\_r@yahoo.com**

**تماس با روابط عمومی کمیته  
کردستان  
سالار کرداری  
تلفن: 0046700194503  
Rawabet.omumi.k@gmail.com**

**اعضا هیئت تحریریه اکتبر:**

سیفه خدایاری، سلام زیجی، ملکه عزتی،  
رحمان حسین زاده، علی مطهری و سالار  
کرداری  
ایمیل ارسال مطلب به اکتبر:  
S\_zijji@yahoo.se

**به گارد آزادی به پیوندید! زنده باد گارد آزادی!**



اول مه امسال روز اجتماعات وسیع کارگری در کارخانه و محله و شهر و... باشد.

طبقه کارگر تنها با اتکا به اتحاد و تشکل های طبقاتی خود، تنها با بالا بردن خودآگاهی صفوف خود و با درک توان و قدرت طبقه کارگر به عنوان یک طبقه واحد، به عنوان بخشی از یک طبقه جهانی در مقابل سرمایه داری به عنوان یک طبقه واحد حاکم، میتواند صفوف خود را آماده کند و اتحاد خود را بالا ببرد. اول مه و همه تلاشهای ما در این مناسبت باید قدمی در راه این خودآگاهی و بالا بردن اتحاد صفوف کارگران و ایجاد همبستگی در میان آنها باشد. اول مه میتواند سرپلی باشد برای ایجاد پیوندهای ادامه دار میان فعالین و رهبران کارگری برای پیشبرد اعتراض روزانه و نبردی که در جریان است، برای بهبودی در زندگی خود و بستن سدی در مقابل یورش بورژوازی به طبقه کارگر و به کل جامعه.

در دل این جدالها طبقه کارگر ایران زیر سایه استبداد حاکم و در فضائی مملو از دروغ و ریا، زیر سایه تبلیغات وسیع و مسموم کننده طبقات حاکم، در نبود تشکلات مستقل و طبقاتی خود، در نبود صف مستقل و متحد و پرچم روشن سیاسی خود، نه تنها بخشی از نیرویش به صف جنبشهای ارتجاعی دیگر کشیده شد، بلکه مبارزه و اعتراض برابری طلبانه اش به شدت حاشیه ای شد.

تجربه این دوره باید برای طبقه کارگر ایران این درس را داشته باشد که بزرگترین قیام تهیدستان دنیا، وسیعترین اعصاببات و اعتراضات خیابانی کارگران در فقدان آگاهی و تشکل طبقاتی و در فقدان یک پرچم روشن کارگری به انتقال قدرت میان دشمنان طبقاتی این طبقه می انجامد و کارگران علیرغم هر تلاش و جانفشانی تنها به دنباله رو و ارتش ذخیره طبقات دیگر و جنبشهای ارتجاعی تبدیل خواهند شد.

اول مه امسال، طبقه کارگر باید این تجربه تاریخی سه دهه گذشته را به سرلوحه شعار خود تبدیل کند و با صدای رسا اعلام کند که اول مه امسال روز همبستگی و تشکل طبقاتی کارگران است. اول مه امسال فرجه ای است که طبقه کارگر در ایران همراه بقیه کارگران، در اجتماعات خود جمع شود، اتحاد و همبستگی را در صفوف خود بالا ببرد و بر همسرنوشتی و منفعت طبقاتی مستقل خود پای بشارد.

مناسبت اول مه فرصتی است که کارگران کمونیست و سایر فعالین طبقه کارگر دور هم جمع شوند، کمیته های برگزاری اول مه امسال را به عنوان ابزاری در خدمت اتحاد کارگران و اجتماعات اول مه سازمان دهند، تلاش کنند حصارهای تفرقه افکنانه (رشته ای، قومی، جنسی و حزبی) که به دور فعالین کارگری و جمعهای و بخشهای مختلف کشیده شده است را بشکنند و پایه های همدلی و همسرنوشتی را میان صفوف خود تقویت کنند. تلاش کنند

**زنده باد همبستگی و تشکل طبقاتی کارگران آزادی، برابری، حکومت کارگری حزب کمونیست کارگری حکمتیست**  
۱۲ فروردین ۱۳۸۹ - اول آوریل ۲۰

شرایط غیر قابل تحملی قرار داد. سال گذشته در عین حال سالی بود که جناحهای جمهوری اسلامی در جنگ و جدال درونی خود تلاش کردند مثل همیشه با فریب و نیرنگ، با تبلیغات مسموم و با کارگر پناهی، طبقه کارگر را به زیر پرچم خود بکشند و از نیروی این طبقه در خدمت تامین منافع خود استفاده کنند. جناح احمدی نژاد به نام مقابله با فساد اقتصادی، به نام دفاع از مردم محروم و مبارزه با دزدی و فساد، بخشی از هم طبقه ایهای ما را به زیر پرچم سیاهترین جریان تاریخ ایران و ضدکارگری ترین جنبش سیاسی کشاند. همزمان جناح سبز جمهوری اسلامی به نام مبارزه با استبداد به کمک طیف وسیعی از نیروهای سیاسی از جریان راست تا چپ بورژوائی تلاش کردند با شعار همه با هم و انقلاب مردمی طبقه کارگر را به نیروی پیش بردند انقلاب سبز و جنبش ارتجاعی خود تبدیل کنند.

در دل این جدالها طبقه کارگر ایران زیر سایه استبداد حاکم و در فضائی مملو از دروغ و ریا، زیر سایه تبلیغات وسیع و مسموم کننده طبقات حاکم، در نبود تشکلات مستقل و طبقاتی خود، در نبود صف مستقل و متحد و پرچم روشن سیاسی خود، نه تنها بخشی از نیرویش به صف جنبشهای ارتجاعی دیگر کشیده شد، بلکه مبارزه و اعتراض برابری طلبانه اش به شدت حاشیه ای شد.

تجربه این دوره باید برای طبقه کارگر ایران این درس را داشته باشد که بزرگترین قیام تهیدستان دنیا، وسیعترین اعصاببات و اعتراضات خیابانی کارگران در فقدان آگاهی و تشکل طبقاتی و در فقدان یک پرچم روشن کارگری به انتقال قدرت میان دشمنان طبقاتی این طبقه می انجامد و کارگران علیرغم هر تلاش و جانفشانی تنها به دنباله رو و ارتش ذخیره طبقات دیگر و جنبشهای ارتجاعی تبدیل خواهند شد.

اول مه امسال، طبقه کارگر باید این تجربه تاریخی سه دهه گذشته را به سرلوحه شعار خود تبدیل کند و با صدای رسا اعلام کند که اول مه امسال روز همبستگی و تشکل طبقاتی کارگران است. اول مه امسال فرجه ای است که طبقه کارگر در ایران همراه بقیه کارگران، در اجتماعات خود جمع شود، اتحاد و همبستگی را در صفوف خود بالا ببرد و بر همسرنوشتی و منفعت طبقاتی مستقل خود پای بشارد.



## اول مه، زنده باد همبستگی و تشکل طبقاتی کارگران

هیچوقت امکانات بشریت برای ایجاد رفاه و آسایش به اندازه این دوره مهیا نبوده است، هیچوقت سطح تکنیک و ثروت و دارائی در دنیا به اندازه امروز وجود نداشته است. اما هیچوقت فاصله طبقاتی و درجه محرومیت انسان از امکانات موجود اینقدر زیاد نبوده است. با این وصف بورژوازی در سطح جهان هر روز تلاش میکند دامنه اقتدار خود بر ثروت و دارائیها و امکانات موجود را در خدمت سرمایه داران و علیه طبقه کارگر افزایش دهد. سال گذشته سال تعرض بورژوازی در سراسر جهان به سطح معیشت طبقه کارگر، سال بیکارسازی و اخراج و زدن حداقل هائی بود که در نتیجه دهها سال مبارزه این طبقه در کشورهای صنعتی دنیا بدست آمده بود.

بورژوازی جهانی برای مقابله با بحران اقتصادی خود حمله ای وسیع را به طبقه کارگر جهت ارزانتر کردن نیروی کارش و تامین سود بیشتر، به قیمت خانه خرابی و تحمیل بیکاری و فقر و محرومیت این طبقه را آغاز کرد. همزمان بیلباردها دلار به بانکها و مراکز تولیدی اختصاص یافت تا بتوانند خود را سرپا نگهدارند. میزان پولی که در همین یک سال به جیب بانکداران و صاحبان سرمایه ریخته شد، میتوانست کل بشریت را از فقر و محرومیت نجات دهد.

سال گذشته طبقه کارگر ایران یکی از سیاهترین دوران خود را گذارند. در این سال جدا از زندان و شکنجه و دستگیری فعالین کارگری، اخراج و بیکارسازی، عدم پرداخت مزد روزانه کارگران، گرانی و تورم، نداشتن حق تشکل و تجمع، همراه با پراکندگی و انشقاق درونی، طبقه کارگر ایران را در

## اول مه و "انقلاب" جاری

خالد حاج محمدی

جریانات مختلف جنبش سبز میگویند "انقلابی" در جریان است، که از خرداد ۸۸ شروع شده است، میگویند از لحظات رادیکال و تعیین کننده این "انقلاب" عاشورا، نماز جمعه به امامت رفسنجانی، روز قدس و مراسم دولتی در ۲۲ بهمن بوده است. میگویند اگر کارگران در این "انقلاب" شرکت میکردند در یکی از این مناسباتی "انقلابی" کلک جناح احمدی نژاد را کنده بودند و "انقلاب" به پیروزی رسیده بود. اکنون تلاش میکنند اول مه به مناسبتی دیگر از مناسباتی انقلاب جاری تبدیل شود و یکی دیگر از حلقه های "انقلابی" و "تاریخی انقلاب" فوق باشد. سواستی که در مقابل کل این جریانات قرار دارد این است که آیا موفق میشوند اول مه را هم به یکی دیگر از حلقه های این "انقلاب" تبدیل کنند؟ آیا میتوانند با مسخ انقلاب کارگری و اول مه توجه کارگر را به این "انقلاب" جلب کنند و آنها را زیر پرچم جنبش خود بکشانند؟

جریان اصلی جنبش سبز در بازبینیهای دوره اخیر خود، یکی از نتایج به گل نشستن انقلابی را ناتوانی در جلب کارگران به زیر پرچم خود میدانند. به همین دلیل در نقد این "نقص" در فکراوند تا با اسم بردن از کارگر و تلاش برای "توجه بیشتر به طبقه کارگرو دلجوئی کردن از کارگران" آنان را به این سمت بکشند و جنبش خود را تقویت کنند. میگویند برای این کار باید به خواستهای کارگران هم توجه کرد. بیژن حکمت از جمهوری خواهان با واقع بینی بیشتری میگوید جنبش سبز چیزی برای کارگران ندارد و به همین دلیل راه را طرح مطالباتی چون حقوق معوقه و خواست ایجاد سندیکا و اتحادیه برای بدست آوردن دل

کارگران پیشنهاد میکند. میگوید شرکت کارگران در جنبش سبز در خدمت اهداف "دمکراسی" است. در آستانه اول مه این تلاشها شدت بیشتری به خود گرفته است. طیف اکثریت - توده ای مثل همیشه تلاش دارند اول مه را به همه چیز تبدیل کنند جز روز کارگر. سایت اخبار روز یکی از مهمترین تریبونهای این طیف به روشنی طبقه کارگر را به پیوستن به جنبش طبقه متوسط دعوت میکند. راه کارگر روز اول مه را روز همه قشرها و لایه های اجتماعی و ملیت های تحت ستم و اقلیت های مذهبی و فرهنگی میدانند و کارگران را به دفاع از آنها و پیوستن به جنبش "ضد دیکتاتوری" دعوت میکند. حزب کمونیست کارگری معتقد است "انقلابی" در جریان است که از خرداد ۸۸ شروع شده است و اول مه مناسبتی برای پیش راندن این "انقلاب" است و نه فقط به طبقه کارگر ایران بلکه به طبقه کارگر در همه دنیا فراخوان حمایت از "انقلاب" سبز، البته با رهبری حزب خودشان، را میدهد.

آنچه در این میان مسخ میشود خود انقلاب کارگری به عنوان آلترناتیو طبقه کارگر در مقابل نظام مبتنی بر کار مزدی است. آنچه مسخ میشود خود اول مه به عنوان روز اعلام کیفرخواست طبقه کارگر چون یک طبقه جهانی علیه نظام سرمایه داری است. آنچه مسخ میشود خود طبقه کارگر به عنوان یک طبقه جهانی است که با کارگران جهان یک منفعت را دارد. آنچه مسخ میشود صف مستقل این طبقه و تمایز سیاسی و طبقاتی آن از طبقات دیگر است. با هر تفسیری که این "انقلابیون" از انقلاب سبز دارند، با هر ادعا و نامی که چپ بورژوازی بر خود گذاشته است و با هر پیشینه سیاسی و تاریخی که برای خود دارند، امروز همگی در تلاشند که طبقه کارگر را زیر پرچمی ببرند که از رفسنجانی، خاتمی، موسوی، گنجی، رهنورد و سازگارا تا طبقه متوسط و تا احزاب و جریانات فوق را زیر یک سقف جمع کرده است. از نظر همگی این مهم است چون این تنها راه به

پیروزی رسیدن انقلاب "ضد دیکتاتوری" راه کارگر و اکثریت، "انقلاب" در جریان حزب کمونیست کارگری، انقلاب سبز موسوی و انقلاب برای دمکراسی جمهوری خواهان است. طبق این جهت و بر مبنای چپ ترین مفسرین و احزاب مدافع این "انقلاب"، در اول مه کارگر کمونیست باید روی چهارپایه رفته و در اهمیت این "انقلاب" سخنرانی کند، باید طبقه کارگر را سرزنش کند که در لحظات حساس "انقلاب" جاری به نماز جمعه رفسنجانی و روز عاشورا و قدس نرفته و امروز و برای جبران این "کم کاری" و "تا هوشیاری" خود، اول مه را به عاشورا و نماز جمعه تبدیل کند.

کل تلاش این صف این است که انقلاب کارگری مسخ شود. بدون مسخ انقلاب کارگری محال است بتوان طبقه کارگر را به سیاهی لشکر جنگ بخشهای مختلف بورژوازی تبدیل کرد.

اول ماه مه روز عاشورا و قدس و حلقه ای از انقلاب سبز نیست. اول مه روز جشن جهانی کارگران، روز اجتماع آنان برای بالابردن اتحاد خود، شناختن خود به عنوان یک طبقه جهانی، شناختن تمایز خود و تمایز جنبش خود از همه طبقات دیگر و جنبشهای آنهاست. اول مه روز اعلام ادعای طبقه کارگر علیه کلیت نظم موجود، روز اعلام عزم طبقه کارگر برای پایان دادن به بردگی مزدی است. این از ابتدائی ترین داده های جنبش خودآگاه و کمونیستی طبقه کارگر است.

اگر طبقه کارگر ایران در اول مه امسال موفقیتی داشته باشد نه شرکت در "انقلابی" که در جریان است، نه پیوستن به صف جنبش سیاسی سبز است که تاچریسم را در ایران نمایندگی میکند و هویت ضد کارگری و لخت و عریان آن بسیار عیان است، بلکه در شناختن آن و در ریختن توهمات و غباری است که به همت چپ بورژوازی حول آن ایجاد شده است. اگر اول مه دستاوردی داشته باشد، باید

نزدیک کردن کارگران به هم، بالا بردن اتحاد آنها و خودآگاهی آنان نه تنها در مقابل جناح حاکم که در مقابل همه جنبشهای ارتجاعی و جناح سبز بورژوازی ایران است.

اولین دستاورد اول مه باید بالا بردن خودآگاهی طبقه کارگر به این واقعیت باشد که این طبقه جز برای انقلاب خود، سرباز هیچ جنگی جز جنگ خود برای رهایی نخواهد شد.

در دنیا از اینگونه انقلابات، بر دوش مردم ناراضی و معترض که در نهایت جناحی از بورژوازی را به قدرت رسانده است کم ندیده ایم. شرکت مردم محروم در انواع تحریکات توده ای، اعتراض برحق آنان به دولتها و طبقات حاکم، یک ذره از ماهیت ارتجاعی آن قیامها و انقلابات کم نکرده است. از یوگسلاوی و ارمنستان و آذربایجان و افغانستان تا عراق و قزاقستان و... شاهد این گونه انقلابات ارتجاعی با شرکت مردم

محروم و معترض به امید بهبودی در زندگی بوده ایم. در تمام این انقلابات سهم مردم محروم فداکاری و تلاش و خون و کشته و زخمی و زندان و سرانجام و بعد از پیروزی همان زندگی فلاکتبار اول بوده است. انقلاب و قیامهای توده ای بر دوش آنان پیش رفته است و قدرت میان جناحهای مختلف طبقه حاکم دست بدست شده است. حقانیت مردم در اعتراض، نارضایتی برحق آنان سر سوزنی از ارتجاعی بودن ماهیت قیام و انقلابات فوق کم نکرده است.

تلاش بخشهای مختلف بورژوازی چه راست، سبز موسوی، یا چپ، کمونیسم بورژوازی آن برای تبدیل طبقه کارگر و انقلاب آن برای رهایی بشریت، به سیاهی لشکر جنگ بخشهای مختلف بورژوازی و تبدیل اول ماه مه به روز دفاع از انقلاب جاری تلاشی ارتجاعی است، تلاشی در مسخ اول مه، مسخ منفعت طبقه کارگر و انقلاب کارگری است.

منبع: "نشریه کمونیست هفتگی، ویژه اول مه"

# زنده باد اول مه! زنده باد همبستگی طبقاتی کارگران!